



گزارش از غرب

● در غرب چه خبر؟ / مهندس ایرج هاشمی زاده

## ۱۸۶ - صدای پای قهوه‌چی! (نگاهی دوباره به فرهنگ قهوه‌خانه در غرب)

قهوه‌خانه در غرب نماد فرهنگ جامعه است، فرهنگ برخاسته از جنگ و ستیز تاریکی و بیداری، زائیده دوران رنسانس و روشنگری و قهوه‌چی بحق «آناشه» فرهنگی این فرهنگ است! وقتی در ماه مارس ۲۰۰۵ خاتم ژوزفین هاولکا ۹۲ ساله و صاحب قهوه‌خانه «هاولکا» در وین درگذشت، «استاندارد» روزنامه معتبر اتریش با چاپ تصویری از ژوزفین هاولکا در صفحه اول خود خبر مرگ او را چاپ کرد و در صفحات داخلی ۲/۳ صفحه روزنامه را به قهوه‌خانه «هاولکا» و زن و شوهر قهوه‌چی اختصاص داد.

میشائیل هویپل شهردار وین و مرد مقتدر و صاحب نفوذ سوسیال دموکرات‌های اتریش مرگ خانم ژوزفین هاولکا را «فقدان یک افسانه وینی» خواند و آمادگی شهر وین را برای دفن خانم هاولکا در گورستان وین در قطعه خاص شخصیت‌های برجسته اتریش اعلام نمود.

زن و شوهر هاولکا در سال ۱۹۳۶ در قهوه‌خانه «وین قدیم» شروع به کار کردند. سه سال بعد آنرا بخاطر کرایه سنگین ترک و در ماه مه ۱۹۳۹ میلادی قهوه‌خانه هاولکا را براه انداختند، در سپتامبر همان سال با آغاز جنگ بین‌الملل دوم قهوه‌خانه را تعطیل و پس از پایان طاعون هیتلر در سال ۱۹۴۵ دوباره درهای قهوه‌خانه را گشودند. قهوه‌خانه هاولکا سالهای ۵۰ و آغاز سالهای ۶۰ میلادی یاتوق روشنفکران و اهل قلم و هنر بود، کمتر هنرمندی از این نسل در اتریش را



● زوزفین و لئوبولدها ولکا صاحب قهوه‌خانه «هاولکا»

می‌توان پیدا کرد که مسیر هنری‌اش از درون این قهوه‌خانه آغاز نشده باشد، سالهای ۷۰ میلادی قهوه‌خانه هاولکا مرکز رویدادهای هنری اتریش بود، الیاس کانتی، هنری میلر و آرتور میلر و... در کنار دیدار از اپرا و موزه‌های وین، قهوه‌ای هم در قهوه‌خانه هاولکا نوشیده‌اند.

\*\*\*

در پراگ پایتخت جمهوری چک در کنار رود مولدا و روبروی تاتر ملی پراگ قهوه‌خانه‌ای است به نام «اسلاویا» باید به درون این قهوه‌خانه پای گذاشت تا عمق ریشه سنت و فرهنگ قهوه‌خانه را در غرب درک کرد و با معماری و آداب و رسوم قهوه‌خانه غرب آشنا شد. قهوه‌خانه اسلاویا در سال ۱۸۸۴ میلادی درهای خود را به روی پراگی‌ها گشود و تا سقوط کمونیسم پذیرای پراگی‌ها بود.

سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی دژ مدافعین خلق‌های ستم‌دیده (ا) و خلع ید از مالکیت خلقی، سرنوشت حقوقی قهوه‌خانه اسلاویا ناروشن شد، در مناقصه‌ای برای روشن شدن این امر یک شرکت امریکائی برنده شد و مستاجر جدید قهوه‌خانه گردید و درهای قهوه‌خانه را با نیت تغییرات درونی ساختمان (و در اصل مرگ قهوه‌خانه) بست. صدای اعتراض بلند شد و دانشجویان پراگی ساختمان را تصرف کردند و به تحصن نشستند و نویسنده‌ای به نام واسلاو هاول که برحسب تصادف روزگار (ا) بر صندلی رئیس جمهوری چک نشسته بود بدیدن



21. 31.12.1995 ve Slavii, foto Z. Merta, 1995

22. Cas kardimont?, foto O. Nemer, 1995





● قهوه‌خانه اسلاویا در پراگ

دانشجویان اعتصابی رفت و اعلام همبستگی کرد. پرونده به دادگاه رفت، مارتین مجستریک، رهبر دانشجویان اعتصابی می‌نویسد: «وقتی در سال ۱۹۹۳ خبر بسته شدن دائمی قهوه‌خانه را شنیدیم با شعار «ما قهوه‌خانه اسلاویا را از دست نمی‌دهیم» قهوه‌خانه را تصرف کردیم و دست به اعتصاب زدیم. دو سال بعد دادگاه پراگ قرارداد اجاره شرکت امریکائی را لغو کرد و فضای سالهای ۳۰ میلادی با کمک مالی شرکتی به قهوه‌خانه اسلاو بازگشت و قهوه‌خانه در سال ۱۹۹۷ درهای خود را دوباره به روی پراگی‌ها گشود.

با دو نمونه از قدمت قهوه‌خانه‌های دو پایتخت اروپا و رفتار و برخورد سیاستمداران غربی و جامعه با قهوه‌خانه و قهوه‌چی‌ها آشنا شدیم حال با هم سری به قهوه‌خانه قدیمی وین می‌زنیم، قهوه‌ای می‌نوشیم، به آشپزخانه قهوه‌خانه سرکی می‌کشیم و با نوع و کیفیت قهوه و نوشیدنی‌ها و غذای آن آشنا می‌شویم، گپی با گارسون‌ها می‌زنیم، انبوه روزنامه‌های روز اروپا را ورق می‌زنیم و به معماری، مبلمان و مشتریان قهوه‌خانه نگاهکی می‌کنیم.

قهوه را در خانه هم می‌توان نوشید حتی درون پیژامه و پای بدون جوراب و خرج مضاعف! پس چرا قهوه‌خانه؟

نوشیدن قهوه در قهوه‌خانه همراه با فراغت خیال است، کسی مزاحمت نیست، بسجه‌گریه نمی‌کند و سقف‌خانه بر سرت فرو نمی‌ریزد.



● قهوه‌خانه اسلاویا در پراگ

گوشه‌ای می‌نشینم، قهوه‌ای سفارش می‌دهم و ساعت‌ها با خیال راحت رمان می‌خوانم، روزنامه را ورق می‌زنم و قهوه‌ات را می‌نوشم.

قهوه‌خانه اطاق کار هم هست، سر این میز یا آن میز مردان و زنانی را می‌بینی که یادداشت برمی‌دارند، روزنامه‌نگار آشنائی را می‌بینی که پس از پایان مصاحبه مطبوعاتی وزیر یا نماینده پارلمان، به قهوه‌خانه آمده تا قهوه‌ای بنوشد و در آرامش گزارش مصاحبه را آماده کند.

هر قهوه‌خانه آتمسفر خاص خودش را دارد، تیلیکی آرام توپ‌های بیلیارد، صدای ماشین قهوه، رایحه مطبوع قهوه، ورق زدن روزنامه از میز کناری، ورق بازی زنان و مردان مسن در اطاق پشتی، دود سیگار و عطر یاسمین زنان زیبارو، عاشق و معشوقی که در حال معامله‌اند و دل می‌دهند و... می‌گیرند، آینه‌های بزرگ بر دیوار که علاوه بر بزرگ کردن فضای قهوه‌خانه، می‌توانی دیگران را بدون جلب توجه تماشا کنی: این مرد که اون گوشه نشسته قیافه‌اش چقدر آشناست؟ اون زن زیبایی که قهوه‌خانه را دو دقیقه پیش ترک گفت چقدر شبیه زنی است که ۲۰ سال پیش می‌شناختمش، وای چه زود همه چیز گذشت، اون زن و مردی که سمت چپ نشسته‌اند زن و شوهرند یا عاشق و معشوق؟ فکر نمی‌کنم زن و شوهر باشند مگر میشه توی این سن و سال هنوز هم عاشق هم بود؟ راستی امروز چرا «کارل» گارسون نیست، نکنه مریضه؟ «پتر» گارسون که آمد یادم باشه ازش بیرسم کارل چرا نیست. روزنامه فرانکفورته آگماینه در دست

اون دختر خانم روبرویی تیرت بزرگ صفحه اولش چیه؟ ایران؟ پاشم برم روزنامه را بردارم و خبر را بخوانم...

قهوه‌خانه محل تجمع روزنامه‌های جهان است! پای که به قهوه‌خانه می‌گذاری جمع زیبایی روزنامه‌ها را می‌بینی (راستی چیزی در جهان زیباتر از کتاب و روزنامه وجود دارد؟ اگر سراغ دارید حتماً به من خبر دهید!)

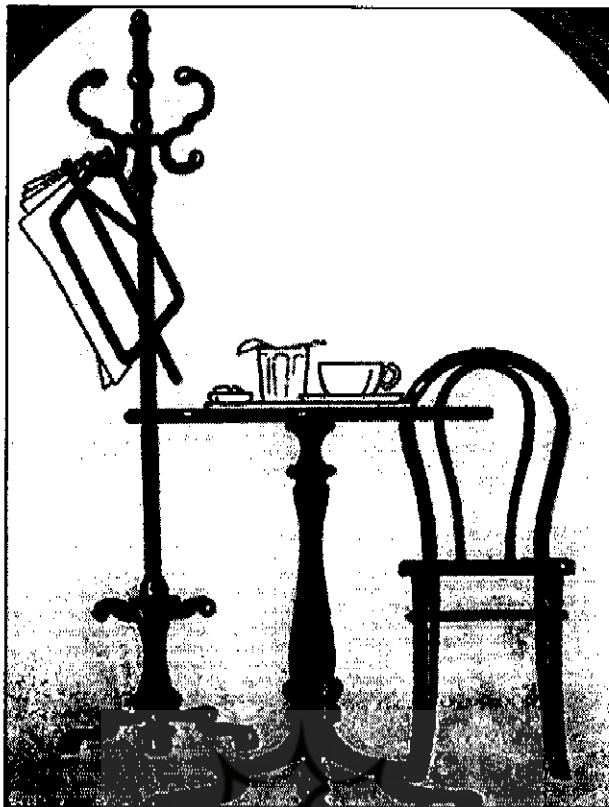
هر روزنامه در درون آویزی است (چون عبای آویزان بر جالباسی!) این آویز از چهارچوبی متناسب با روزنامه و گیره تشکیل شده است، گیره را در دست می‌گیری، اوراق روزنامه با تکیه بر چهارچوب صاف و صرف جلوی چشمانت است و با سفارش قهوه‌ای می‌توانی از اخبار و تفسیر رویدادهای سیاسی و یا ادبی جهان از قلم بهترین مفسرین و روزنامه‌نگاران جهان مطلع گردی. تعداد و نوع روزنامه‌ها بستگی به شهرت و قدمت قهوه‌خانه و قهوه‌چی متفاوت است، کم نیستند قهوه‌خانه‌هایی که بین ۲۰ تا ۳۰ روزنامه داخلی و بین‌المللی از ایشپینگل و لوموند و نیویورک تایمز گرفته تا روزنامه‌های آلمانی زبان سه کشور اتریش و آلمان و سوئیس را مشترکند و در ضمن فراموش نکنیم که از هر روزنامه حداقل دو سه شماره روی میز است!

آویز روزنامه اولین بار در قهوه‌خانه‌های وین چشم به روی جهان گشود و امروزه آنرا در بسیاری از قهوه‌خانه‌های جهان می‌توانی ببینی، دو کارخانه آلمانی آویز روزنامه را از چوب درخت راش تولید می‌کنند.

قهوه‌خانه بدون روزنامه همچون غذای بدون نمک و فلفل است که بهتر است چنین غذایی را نخوری و پای بدرون چنین قهوه‌خانه‌ای نگذاری!

قهوه‌خانه پاتوق قهوه‌خانه نشین‌هاست. به مرور زمان و گشت و گذار در قهوه‌خانه‌ها، عاشق یک یا دو قهوه‌خانه می‌شوی و دل به آن می‌بندی و قهوه‌خانه پاتوق دائمی تو می‌شود، با دوستان آنجا قرار می‌گذاری، وسط روز که هوس قهوه می‌کنی یگراست به آنجا می‌روی، با دوستان بیلیارد بازی می‌کنی و بسته به مقدار انعامی که به گارسون می‌دهی، در طول زمان بر عزت و احترامت افزوده می‌گردد و خواهی نخواهی نامت در لیست مشترکین قهوه‌خانه ثبت می‌شود!

دیدارها در غرب در قهوه‌خانه‌ها و نه در خانه رخ می‌دهد، دیدار و گپ با دوست و رفیق، همکار و همسایه در قهوه‌خانه است و جالب وقتی است که گفتگوها و درد دل‌ها به پایان می‌رسد و دست‌ها بطرف جیب و کیف پول می‌رود! هر کس جداگانه حساب خودش را می‌پردازد. تعارفی در کار نیست و کسی در جمع، خویش را ملزم نمی‌داند پول قهوه همه را بپردازد. اگر در قهوه‌خانه‌ای شاهد صحنه‌ای شدید که سه چهار نفر بر سر پرداخت پول میز از سر



و کول هم بالا می‌روند و گارسون مات و متحیر در انتظار پیروزی یکی از آنهاست، صد در صد مطمئن باشید که با خودی رو برو هستید، رفقا ایرانی هستند!

وجه مشخص قهوه‌خانه‌های قدیمی وینی، تزئین فضا، کوه روزنامه، منش گارسون‌ها و نوع و کیفیت قهوه و شیرینی و کیکی است که به مشتری ارائه می‌دهند.

قهوه‌خانه بدون صندلی تونت غیر قابل تصور است (تقریباً بدون استثنا تونت شماره ۱۴ است، بد نیست بدانید که صندلی شماره ۱۴ را اولین بار تونت در سال ۱۸۵۹ ساخت، این صندلی از ۶ تکه و ۱۰ عدد پیچ و ۲ عدد مهره تشکیل شده است، و بیشترین فروش را میان مدل‌های متعدد صندلی تونت در جهان داشت، تا سال ۱۹۳۰ از این صندلی بیش از ۵۰ میلیون عدد ساخته شد) میزها عموماً گرد یا چهارگوش و اکثراً با صفحه‌ای از سنگ مرمرند.

در کنار میز و صندلی‌های تونت، میل بزرگ و راحتی از پارچه و طرح‌های دوران گذشته هنری - استیل جوان - با چرم خالص به قهوه‌خانه اتمسفر اطاق نشیمن را می‌دهد.

این تصویر سمبل قهوه‌خانه‌های وینی است: صندلی تونت شماره ۱۴، میز گرد با پایه فولادی با صفحه‌ای از سنگ مرمر، آویزه روزنامه، روی میز فنجان قهوه و لیوان آبی و قاشقی که شکم آن رو به پائین است، جاسیگاری و جالباسی تونت.

قهوه همیشه در یک سینی کوچک چهارگوش سرو می‌شود. درون سینی قهوه، لیوان آب و



قاشق قهوه خوری روی لیوان (شکم قاشق به پائین) است.

اگر در قهوه‌خانه‌ای قهوه سفارش دادید و گارسون فنجان قهوه بدون لیوان آب برایتان آورد، بهتر است به آن قهوه‌خانه دیگر پای نگذارید!

می‌گویند - شاید هم راست می‌گویند! - قدیم‌ها ۳۰۰ سال پیش زمانی که ترکان عثمانی دروازه‌های وین را برای بار دوم با خفت و خواری ترک گفتند، اثری‌های در کنار خیمه و خمپاره دانه‌های قهوه‌ای رنگی روی زمین پیدا کردند، به طعم خوش آن پی بردند و قهوه و قهوه‌خانه در وین پای گرفت و خانگی شد. آلمان وینی‌ها فقط قهوه ترک را می‌شناختند و با لیوان آبی ذرات آرد قهوه بین دندان‌ها را شستشو می‌دادند.

و نیز می‌گویند - شاید هم راست می‌گویند! - پشت هر فنجان قهوه بهتر است لیوانی آب خورد تا اسید قهوه را در معده خنثی کند، تئوری دیگر می‌گوید که قهوه آب بدن را کم می‌کند، پس باید پشت آن لیوان آبی خورد، بگذریم از اینکه امروز همه پزشکان توصیه می‌کنند که برای سلامت زیستن در روز باید بین ۲ تا ۳ لیتر آب نوشید و اجازه بدهید من هم به شما توصیه کنم که حتماً این کار را بکنید: ۲ تا ۳ لیتر آب در روز بنوشید!

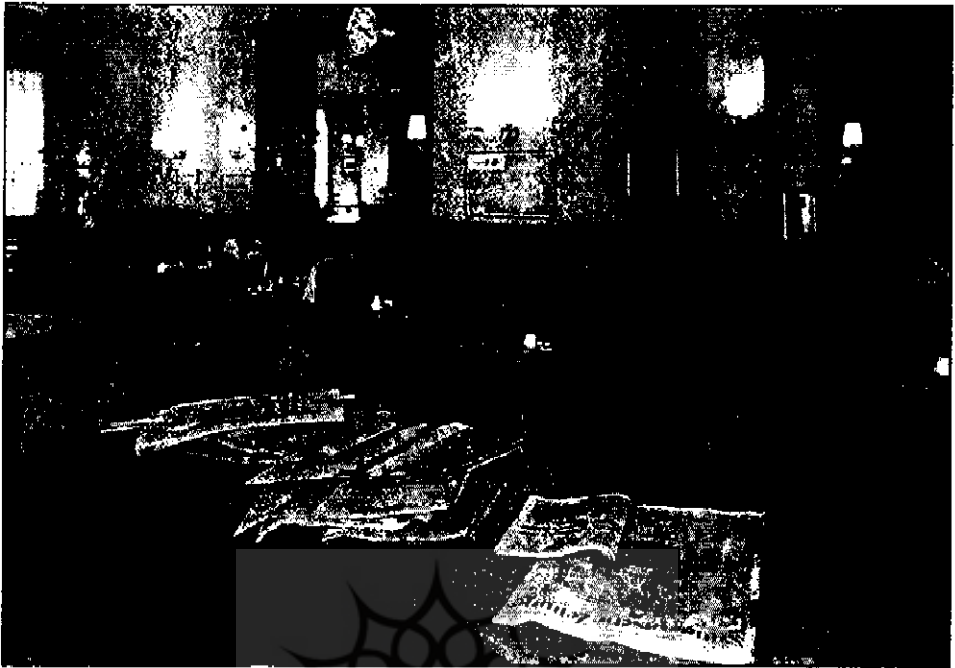
سرو قهوه در سینی نیز علت دارد، اسید درون قهوه سنگ مرمر میز را می‌خراشد و می‌خورد و سینی برای جلوگیری از این امر است.

۳۴۰

بسیاری از قهوه‌خانه‌ها شیرینی خانگی خودشان را دارند، شیرینی از سه شاخه منشعب می‌شود: کوخن یعنی شیرینی، تورته یعنی کیک و مل اشپایزه یعنی شیرینی ساخته شده از آرد. و اما قهوه:

تقویم سال ۱۶۸۳ را نشان می‌داد. قشون عثمانی با ۲۰۰/۰۰۰ سرباز پشت دروازه‌های وین ایستاده بودند و شهر را تهدید می‌کردند و در محاصره داشتند. دوک فون لوترینگن با کمک ژنرال لهستانی یوهان سویسکی با ۷۰/۰۰۰ سرباز، ترکان عثمانی را فراری داد. آنچه پس از فرار ترکان باقی مانده بود انبوهی اسلحه، چادر، شتر و کیسه‌های دانه‌های قهوه‌ای رنگی بود که ترکان به آن «کاو» Kava می‌گفتند و قهوه از آلمان در وین نوشیدنی محبوب وینی‌ها شد. پس قهوه در اروپا یادگار ترکان عثمانی است و تهیه قهوه ترک امروزه بهمان شکل و نحوه تهیه قهوه در ترکیه است.

جالب اینکه در یونان همین قهوه که بی شک تقلید و کپی قهوه ترک است به نام قهوه یونانی معروف است و وای بحال شما اگر در یونان در قهوه‌خانه‌ای به گارسون سفارش یک قهوه ترک بدهید! هر بلائی که سرتان آمد می‌توانید در ترکیه هم امتحان کنید و در قهوه‌خانه‌ای به گارسون سفارش یک فنجان قهوه یونانی بدهید اما توصیه می‌کنم بدون ورقه بیمه درمانی دست به چنین



ریسکی نزنند!

قهوه در همه جا یکسان و یک شکل نیست: ایتالیائی‌ها و فرانسوی‌ها دانه‌های قهوه را زیاد تفت می‌دهند و بعد قهوه را با آب کم درست می‌کنند که تند و پررنگ و غلیظ است، قهوه روس‌ها کپی قهوه ترک است، آلمانی‌ها و امریکائی‌ها قهوه را از درون فیلتری رد می‌کنند که قهوه رقیقی است و قهوه ایرانی‌ها همان قهوه ترک ترکان عثمانی است و من هنوز به این راز پی نبرده‌ام که چرا در ایران در مجالس ختم به مهمانان قهوه ترک سرو می‌شود! چرا چائی نه؟!

می‌گویند - شاید هم راست می‌گویند! - اولین قهوه در اروپا در سال ۱۵۵۴ در کونستانتینوپل - استانبول امروز - ۱۶۴۷ در ونیز، ۱۶۵۰ در آکسفورد، ۱۶۵۲ در لندن، ۱۶۷۱ در مارسل و ۱۶۷۲ در هامبورگ حضورش را اعلام کرد. ولی قهوه شهرت بین‌المللی‌اش را مدیون قهوه قهوه‌خانه‌های قدیمی وین می‌داند!

می‌گویند - شاید هم راست می‌گویند! - آنزمان‌ها پزشکی در وین بود که وقتی به بالین مریضی در حال اغما می‌آمد، تقاضای دو فنجان قهوه می‌کرد. یک فنجان را خودش می‌نوشید و دومی را جلوی لب مریض می‌گرفت. اگر مریض عکس‌العمل نشان نمی‌داد، گواهی فوت را می‌نوشت و امضا می‌کرد. وقتی علت انتخاب متد عجیب و غریب‌اش را پرسیدند، پاسخ داد: وقتی یک وینی از بوی مطبوع قهوه عکس‌العملی نشان نمی‌دهد، مطمئن باشید که به خانه

آخرت رفته است و هر کمکی دیر است!

می‌گویند - و شاید هم راست می‌گویند! - قهوه در قرن دهم در ایران و کشورهای عربی نوشیدنی آشنا و گران قیمتی بود و تنها ثروتمندان قادر به نوشیدن آن بودند.

دانه قهوه به تنهایی در مزه و مرغوبی قهوه دخیل نیست، چگونگی تفت دانه قهوه نقش مهمی را بازی می‌کند. قدمت قهوه از قرون ۱۴ - ۱۳ شروع می‌شود. سرزمین مادری قهوه را آسینین (حبشه کنونی) و یمن می‌دانند. در قرن پانزدهم بندر موکا مرکز تجارت قهوه بود. در ایشی عرب و ایرانی بر این عقیده بودند که با خوردن قهوه به تمرکز روحی دست می‌یابند و قادرند بهتر و بیشتر در خدمت خدا باشند. قهوه بادین اسلام در جهان جای پای خود را باز کرد و مسلمانان پس از مراسم حج قهوه را به سایر کشورها سوغات آوردند. اولین قهوه‌خانه در مکه در اواخر قرن ۱۵ و در اروپا اواسط قرن شانزدهم درهای خود را به روی مشتریان باز کردند.

قهوه در قهوه‌خانه‌های قدیمی وینی به اشکال مختلف پخته می‌شود، اسامی زیر بیشترین مصرف را دارند:

قهوه کوچک سیاه: قهوه بدون شیر در فنجان کوچک.

قهوه بزرگ سیاه: قهوه بدون شیر در فنجان معمولی.

قهوه کوچک قهوه‌ای: قهوه با شیر در فنجان کوچک.

قهوه بزرگ قهوه‌ای: قهوه با شیر در فنجان معمولی.

قهوه رقیق: قهوه کوچک با شیر که مقدار آب آن زیاد است.

ملانژ: ترکیب یک به یک قهوه و شیر. همراه با مقدار کمی شیر کف کرده

کاپوچینو: شبیه ملانژ است فقط مقدار شیر کف کرده آن زیادت است

و اما گارسون:

گارسون‌های قهوه‌خانه قدیمی وین یا به زبان اتریشی‌ها: هر اوبر (Herr Ober) - آقای پیشخدمت - از نادره‌های روزگارند! دو فرضیه را می‌توان حدس زد: گارسون وینی، یا گارسون بدنیا آمده یا اتمسفر و محیط قهوه‌خانه در طول زمان از او گارسون ایده آل خلق کرده است.

تا اواخر سالهای ۶۰ گارسون‌های قهوه‌خانه همه بلا استثنا مرد بودند، طبیعی هم بود، هنوز باقیمانده آثار مرد سالاری از چهره جامعه زدوده نشده بود، کم‌کم زنان نیز در این جبهه پیروز شدند و نشان دادند که چیزی از مردان کم ندارند!

گارسون‌های مرد همگی بدون استثناکت و شلوار سیاه و فراک بر تن دارند. ۹۰ درصد گارسون‌ها مردند مابقی زن و درون دامن سیاه و بلوز سفید با پیش‌بندی کوتاه و زیبا.

۹۵ درصد این جماعت انسان‌هایی گیرا، سمپات و در خدمت مشتری‌اند، مودب و در ضمن

احترام برانگیرند.

در چهره آنان خشم و بی ادبی را هیچگاه نمی بینی، مشتری در قهوه‌خانه پادشاه است، سلطان است، سلطانی که از موقعیتش سو استفاده نمی کند.

مشتری و گارسون لازم و ملزوم همدیگرند. گارسون با ادب و خوش روئی به مشتری احساس راحتی می دهد و مشتری هم هنگام پرداخت صورت حساب خوش اخلاقی و ادب او را با انعام پاسخ می دهد که در طول روز و انبوه مشتری می توان بخوبی حدس زد که انعام در ماه رقمی برابر با حقوق ماهانه او و شاید بیشتر از آن را تشکیل می دهد.

«اوپر»ها، عمری را در این حرفه پشت سر دارند، آنان را براحتی می توان روانشناسان قهوه‌خانه نامید، هر کدام با ۳۰ و ۴۰ سال تجربه با نگاهی به مشتری تازه وارد قادرند شغل و حرفه و حتی پول توی جیبش را بدرستی حدس بزنند و اگر سر حال باشند کنار مشتری آشنا و معتادین قهوه‌خانه - چون من! - می نشینند و گوشه‌ای از تاریخ زندگی و قهوه‌خانه را نقل می کنند. با مرور زمان: به اسرار زندگی بسیاری از مشتریان واقفند اما چون روحانیون کلیسای کاتولیک لال ولی کر نیستند. حیات قهوه‌خانه قدیمی وین بدین آنان - و صندلی‌های تونت - غیر قابل تصور است.

۳۴۳

سن و سال اکثر قهوه‌خانه‌های قدیمی وین به چیزی میان ۱۶۰ تا ۲۰۰ سال می رسد. می دانم باورش برایتان مشکل است. چند نام از قهوه‌خانه معروف وینی که هنوز - خدا را شکر! - هنوز سر پا ایستاده‌اند برایتان می آورم. قهوه‌خانه اشپول در سال ۱۸۸۰ درهای خود را گشود (۱۲۶ سال) و تزئینات داخلی آن درست بهمان شکل روز افتتاح آن است با این تفاوت که آزمون هنوز برق نبود و چراغ نفتی بود!!

قهوه‌خانه دو مایر در هیتسینگ، محله ثروتمندان از سال ۱۷۸۷ میلادی (۲۱۹ سال)!. قهوه‌خانه آیلس از سال ۱۸۲۱ (۱۸۲ سال). قهوه‌خانه لاندمان، ۱۸۷۳ (۱۳۳ سال).

در کشور ما هر که آمد عمارتی نو ساخت. لاله‌زار ما دیگر آن لاله‌زار سالهای ۳۰ شمسی نیست. اسلامبول ما فوت کرده، از خیابان نادری ما فقط استخوان‌هایش باقی مانده است، بر ما و جامعه ما فرهنگ بساز و بفروش و بساز و بفروش حاکم است. در جامعه‌ای که هدف فقط سود سریع و بی‌زحمت و بی‌دردسر است و به مرض واگیری تبدیل شده، طبیعی است که قهوه‌خانه مثل همه چیزمان چون مطبوعات، رستوران، ساختمان‌های مسکونی و... نمی تواند دراز مدت جای باز کند و از نسلی به نسل دیگر منتقل گردد.

\*\*\*

با اسکار و ایلد که حدود ۱۱۰ سال پیش درباره نقش قهوه‌خانه گفته بود: «اگر می خواهید هنر

را بال و پر دهید، قهوه‌خانه‌ها را زیاد کنید» و بیاد و خاطره آن مهاجر عزیز روسی «خاچیک مادیکیانس» که ۷۹ سال پیش پرآوازه‌ترین قهوه‌خانه ایران، کافه نادری را براه انداخت سیر و سیاحت در قهوه‌خانه‌های قدیمی وین را به پایان می‌رسانم.

#### ۱۸۷- ADEVA: چاپ و نشر آکادمی

«چاپ و نشر آکادمی»<sup>۱</sup> نام احترام برانگیز و آشنائی برای اهل قلم و کتاب در اتریش است. ناشری که پس از ۵۷ سال کارنامه‌ای درخشان از خود باقی گذاشته و در این کارنامه ایران و فرهنگ آن نیز جای شایسته‌ای دارد.

تقویم سال ۱۹۴۹ را نشان می‌داد، آتش جنگ خاموش شده بود، جوانی به نام دکتر پال اشترو تسلی<sup>۲</sup> فارغ التحصیل دکترای حقوق که حروف چینی چاپخانه را هم آموخته بود در ویلانی در شمال شهر گراتس با ماشین افست کوچکش با این هدف که کتب بسیاری از کتابخانه‌ها در شعله آتش جنگ نابود شده و در سازمان‌ها و موسسات علمی خلائی وجود دارد که دوباره باید برگردد، بنابراین چاپ و افست این نوع کتب ضروری است؛ کار خود را شروع کرد.

از ابتدای آغاز کار، دکتر حقوقدان و جوان یک راه را پیمود: چاپ کتب مذهبی، فلسفه، تاریخ هنر، کتب حقوقی، کوتاه سخن: علوم انسانی.

۳۴۴

و بدین ترتیب «چاپ و نشر آکادمی» پای در دنیای چاپ و نشر کتب گذاشت و با ماشین افست - تکنیک جدید و وارده از آمریکا - کتب خطی و قدیمی را تجدید چاپ کرد - البته نه هر کتاب خطی - شیفتگی دکتر جوان از ماشین افست فقط سادگی و سرعت کار نبود، بلکه این امتد مزیت‌های دیگری نیز دارا بود: هزینه چاپ در مقایسه با سایر طرق چاپی بی‌اندازه ارزان بود پس کافی است اهمی را بکار انداخت و موازی با چاپ کتب ارزان قیمت، راه و روشی هم برای کیفیت خوب کتب بوجود آورد. ناشر جوان از همان ابتدا مصمم بود با چاپ و صحافی مرغوب با سایر ناشرین تمایز داشته باشد. برای دستیابی به این مقصد، از خرید صفحات چاپ خودداری کرد و این امر را خود بدست گرفت، جدا از این، صحافی کتب را نیز در چاپخانه و نشر خود بعهده گرفت.

بدین ترتیب در سالهای ۵۰ و ۶۰ میلادی تعداد زیادی کتب خطی و قدیمی تجدید چاپ شد، در اواسط سالهای ۶۰ میلادی تعداد این نوع کتب به ۱۲۰۰ عدد یا ۳۰۰۰ جلد رسید، در بین

1- ADEVA: Akademische Druck - und Verlagsanstalt

2- Dr. Paul Struzi

مؤسسة الطباعة والنشر الأكاديمية  
غراتز - النمسا



پښتونستان ښار علمي او ادبياتو مرکز

پښتونستان ښار علمي او ادبياتو مرکز



AKADEMISCHE  
DRUCK- u. VERLAGSANSTALT  
GRAZ / AUSTRIA

این کتب، کتابنامه‌های بزرگ آلمانی و دایرةالمعارف‌های آلمانی دیده می‌شدند. آشنائی دکتر اشتروتسل با اکثر کتابداران دنیا و بخصوص با کتابداران اتریش، ایتالیا و ایتیکان ناشی از علاقه او به کتب خطی بود و این امر به یکی از شاخه‌های اصلی فعالیت نشر آکادمی تبدیل گردید.

اولین فاکسیمیله<sup>۲</sup> - تکثیر و نسخه‌برداری با کیفیت بسیار بالا، کپی برابر با اصل - در سال ۱۹۵۳ در چاپخانه نشر آکادمی از وقایع نامه معروف سلطنتی در کتابخانه صومعه «فورا» در اتریش، منتشر شد و بتدریج تجربه‌های بسیاری در این متد خاص چاپ بدست آمد، ۵ سال بعد دومین فاکسیمیله با انتشار کتاب خطی «اشعار آلمانی» صورت گرفت. سپس در سال ۱۹۶۰ دکتر اشتروتسل با «ساکرامنتاریوم لئونیاوم»<sup>۳</sup> در شهر وروناى ایتالیا بزرگترین سری فاکسیمیله‌های جهان را منتشر ساخت. دکتر اشتروتسل با این کار ثابت کرد که با متد افست می‌توان در زمینه چاپ رنگی، با کیفیت عالی کتاب ارائه داد.

کوشش‌های نشر آکادمی از نگاه علاقمندان و کتابداران حرفه‌ای پنهان نماند. دو کتابدار نامی اتریشی در آلمان، مدیر کل کتابخانه ملی اتریش و سرپرست کلکسیون کتب خطی در وین با قبول پست مشاورت در کنار دکتر حقوق‌دان قرار گرفتند.

در همان سالها در کتابخانه ملی اتریش کتاب خطی و معروف «Wiener Dioskurides» مرمت می‌شد و این تنها شانسی بود که نشر آکادمی از این کتاب قدیمی - ۵۱۲ بعد از میلاد - با متد فاکسیمیله تجدید چاپ کند. دنیای نشر و چاپ با شنیدن این خبر سر تکان داد ولی نشر آکادمی با این قدم بزرگ که پایان آن روشن نبود بزرگترین سند خطی را پس از ۷ سال کار و زحمت به دنیای چاپ و نشر ارائه داد. قیمت کتاب در آلمان برابر بود با قیمت یک فولکس واگن!

دو ویژگی به دکتر اشتروتسل این امکان را می‌داد بسرعت برنامه وسیع فاکسیمیله خود را توسعه دهد: کشف و نگهداری کتب قدیمی. بر این پایه فقط به کتب قدیمی آلمانی زبان بسنده نکرد و معتقد بود با امکانات تکنیکی خویش باید کتب خطی و قدیمی سایر زبان‌ها را نیز تکثیر و نجات دهد.

دکتر اشتروتسل با متد فاکسیمیله، شکل و قراردادی را هم در نظر گرفت که امروزه در سر تا سر جهان در چاپ‌های فاکسیمیله رعایت می‌گردد: تجدید چاپ کتاب نه تنها باید به قطع و اندازه اصل کتاب باشد بلکه تمامی محتوی کتاب را نیز در برمی‌گیرد، هیچ یادداشت کناری در کتاب و یا صفحات خالی نباید کنار گذارده شود، هیچ غلط یا اشتباهی نباید تصحیح گردد و نوشته‌های خطی تا آنجا که امکان دارد به حساب آید. کوتاه سخن: فاکسیمیله نشر آکادمی باید شباهت تام به معنی واقعی کلمه با نسخه اصلی داشته باشد.

امروز هم انتخاب کتب قدیمی برابر تجدید چاپ با متد فاکسیمیله براساس رای و نظر

کارشناسان و ارزش کتاب تعیین می‌گردد. انتخاب قدیمی‌ترین کتاب مقدس تورات و انجیل «wenzelbibel» کتابخانه ملی اتریش یکی از نمونه‌های فعالیت در این زمینه بود.

هیچ ناشری در جهان از شرکت در چنین فعالیتی در زمینه کتب قدیم خود را محروم نساخت، ۵۰ کتابخانه جهان منجمله کتابخانه ملی روسیه در پترس بورگ اوایل سالهای ۹۰ میلادی برای اولین بار یک ناشر غربی - نشر آکادمی - شروع به همکاری کرد، ۲۰ موزه از کشورهای مختلف جهان دست همکاری بسوی نشر آکادمی دراز کردند. در کاتولوگ نشر آکادمی تجدید چاپ کتب قدیمی با متد فاکسیمیل، کتاب مکزیکی، کتاب خطی مغولی، کتب عربی، یهودی و غیر دیده می‌شود.

موسیقی نیز زمینه دیگر فعالیت نشر آکادمی است که یک نمونه آن رهتوار موسیقی اتریش از قرون ۱۳ تا ۱۹ میلادی اتریش در ۱۵۱ جلد است.

فاکسیمیل از دو کلمه فاکس یمیله، یعنی «شبهه آن می‌سازم» است. فاکسیمیل تولید بی‌عیب و نقص و تمام عیار یک کتاب خطی است. با نسخه و متن اصلی یکی است، چاپ و کاردستی در تجدید دوباره یک نسخه بی‌نظیر و کمیاب در جزئیات آن است، تفاوت ظریف رنگها باید رعایت گردد، قطع و اندازه و کامل کپی نسخه قدیمی و با ارزش باید با اصل آن یکی باشد، هیچ صفحه‌ای حتی صفحات خالی را نباید در تجدید چاپ کنار گذاشت، هیچ غلط و اشتباهی نباید تصحیح گردد و حتی چگونگی و موقعیت کتاب باید رعایت و حفظ گردد.

رنگهای زنده کتب قرون وسطی که قرن‌ها زیر جلد قطور کتاب محفوظ نگاه داشته شده‌اند و بخاطر حساسیت آن می‌بایستی با احتیاط کامل به آنها برخورد کرد با چاپ فاکسیمیل نشر آکادمی دقیقاً بهمان صورت نسخه اصلی تجدید چاپ می‌گردد. زنگار (تغییرات فلزی) طلا نیز که طی قرن‌ها بوجود آمده دقیقاً بهمان صورت چون نقش برجسته‌ای ظاهر می‌شوند. در انتخاب نوع کاغذ باید دقت کافی بعمل آید: ضخامت و بافت رویه کاغذ تا آنجا که ممکن است شبیه کاغذ نسخه اصلی باشد. برش کاغذ باید با اصل مطابقت داشته باشد، همچنین موقعیت و وضع کتاب.

صحافی کتاب باید کاراکتر صحافی نسخه اصلی را دارا باشد، صحافی کاردستی است و تصویری از هنر صحافی در طول قرن‌ها است. لحظه‌ای که بین تجدید چاپ و نسخه اصلی تفاوتی نباشد، آنوقت می‌توان از فاکسیمیل سخن گفت.



کتاب آینه میراث فرهنگی ما است، بهمان صورتی که سنگ خاطره زمین را در خود حفظ می‌کند، کتاب نیز خاطره انسان را در خود محفوظ نگاه می‌دارد.



قبل از آغاز گاهشماری اولین نوشته‌ها روی سنگ صورت می‌گرفت. بعدها صفحات مومی یا صفحات چوبی آغشته به موم را حرارت می‌دادند، در کنار آن کاغذ (پاپیروس) نیز طالبان زیادی داشت. با آمدن تقویم در رم «کودکس = Kodex = کتاب خطی» با قابلیت ورق زدن پای در عرصه زندگی انسان گذاشت. چنین تصور می‌شود که شکل کنونی کتاب نتیجه اشاعه و ترویج پرگامنت - کاغذ پوستی - بود که در مقایسه با پیروس با دوام‌تر و محکم‌تر، اگر چه گرانتر بود ولی راه در جامعه پیدا کرد و در کوتاه مدت به مهمترین ماده برای نوشتن تبدیل شد و قرن‌ها دوام داشت.

در امپراطوری رم برای فشر و سیعی از مردم تجارت کپی کتب رونق داشت، خواندن در دوران باستان اساس کسب دانش و علم بود.

پس از انقراض امپراطوری رم علم و دانش دوران باستان و همراه آن کتاب به کلیسا بازگشت. در آغاز قرون وسطی راهبین نوشتن و کپی کردن را آغاز کردند، انگیزه مادی نداشتند بلکه بکارگیری فکر و عقل بود. در آن زمان مدت زمان تولید کتاب نقشی بازی نمی‌کرد. اطلاعات ما از دوران باستان مرهون راهبین و نوشته‌های آنان است. متون ادبی از یونان قدیم و شعرای لاتین آشنا، بجز چند مورد، همگی کپی باقی مانده از همین راهبین است. در صومعه‌های بزرگ کتابخانه‌های عظیمی بر پا گردید و علاوه بر کتب خطی بتدریج تزیین کتاب نیز نقش بزرگی پیدا کرد و دوران شکوفائی نقاشی در کتاب آغاز گردید: کتاب خطی مقدس تورات و انجیل، کتاب زبور، انجیل و غیره نه تنها دوباره نوشته می‌شد بلکه بصورت زیبایی هم تزیین می‌گردید. این تغییرات در تولید کتاب نقش پیوندی بین کلیسا و دولت داشت. چنین ثروت عظیمی را در آنزمان فقط دیرها و صومعه‌ها و پادشاهان دارا بودند.

در پایان قرن چهاردهم روابط اجتماعی تغییر یافت و کتاب بتدریج بین اقبشار و طبقات جامعه وارد شد و نقش مهمی بدست آورد. اختراع چاپ تصادفی نبود بلکه ضرورتی بود تا کلمات نوشته شده تکثیر گردد. هدف نشر آکادمی ارائه میراث فرهنگی یادگار نسلهای گذشته است و با هنر فاکسیمیله قادر است اسناد و میراث بشریت را بهمان صورتی که در گذشته‌های بسیار دور بوده به نسل کنونی تقدیم کند. این هنر به پژوهشگران و صاحبان کلکسیون کتب قدیمی امکان می‌دهد کتابخانه‌ای که نمونه‌اش حتی در کاخ‌های سلطنتی، در بزرگترین کتابخانه‌ها و صومعه‌ها وجود ندارد، جمع‌آوری کنند.

فهرست کتب فاکسیمیله نشر آکادمی طولانی است! من فقط به چند کتب زیر که در رابطه با فرهنگ مشرق زمین است اشاره می‌کنم.

1) Abu Mansur Muwaffak Ibn Ali al - Harawi: Das Buch der Grundlagen über die

«کتاب اساسی درباره خاصیت واقعی دارو و درمان از ابومنصور موفق ابن علی هروی، قرن چهارم هجری قمری، داروشناس ایرانی که در عهد منصور سامانی در هرات رونق داشت. ظاهراً اول کسی است که در صدد تألیف کتابی به فارسی داروشناسی برآمد. برای کسب اطلاعات مسافرت‌های زیادی در ایران و هند کرد. اثر مهمش همین کتاب «البنیه عن حقایق الادویه است که در آن ۵۸۵ دارو بر حسب تأثیرشان طبقه‌بندی کرده است. نسخه‌ای از این کتاب بخط علی ابن احمد اسدی طوسی شاعر و لغوی و ادیب قرن پنجم هجری قمری، در وین موجود است که در ماه شوال ۴۴۷ هجری قمری استنساخ شده و ظاهراً قدیم‌ترین نسخه خطی فارسی است که تاکنون بدست آمده و یکی از آثار منشور معدود قدیمی زبان فارسی می‌باشد. به قول فلوگل، مجموع مفرداتی که در آن عنوان شده ۵۴۷ کلمه است که بحروف هجا مرتب گردیده ولی فقط برحسب حروف اول و حروف دوم و سوم در آنها رعایت نشده. این کتاب رازلیگمان در ۱۸۵۹ در وین بطبع رسانیده و ترجمه آلمانی آن بوسیله عبدالخالق آخوندف بدون تاریخ در هاله‌ی آلمان چاپ شده.» (برگرفته از دایره المعارف فارسی. شادروان غلامحسین مصاحب)

چاپ فاکسیمیله کتاب که نسخه اصلی آن در کتابخانه ملی وین است. قیمت کتاب: ۲۶۲

یورو

۳۴۹

2) Tuti Nama

طوطی نامه

طوطی نامه با ۲۱۵ مینیاتور، با قطع ۶۳ در ۷۸ سانتیمتر

قیمت ۴۹ یورو، چاپ ۱۹۷۶

3) Hamza - Nama

حمزه نامه

اصل کتاب در موزه هنر در وین است

تصاویر رنگی در این کتاب خطی حکایت از معماری، مناظر طبیعی، دنیای حیوانات و دربار مغلول دارد. نسخه اصلی این کتاب در موزه وین و موزه ویکتور و آلبرت لندن موجود است.

قیمت کتاب: ۲۸۳ یورو

4) Dalail al - hayrat

Abu Abdallah Muhammed ibn Abi Bakr ibn Sulayman al Gazuli:

دلایل الخیرات: ابو عبدالله محمد ابن ابی بکر ابن سلیمان الجزولی

کتاب در قطع ۱۱۴ در ۱۱۴ میلی‌متر و ۳۱۸ صفحه است، متن کتاب با خط مغربی با جوهر

سیاه، طلائی، سرخ، سبز و آبی نوشته شده و چهارچوبی از رنگ طلائی و آبی آنرا در بر گرفته، کتاب با گل و اشکال هندسی مزین است، کتاب متعلق به اواخر قرن ۱۱ هجری (۱۷ میلادی) است، جلد آن چرمی است.

الجزولی مراکشی است، و تاریخ فوت: ۱۴۶۵

5) Der koran des Ibn Al - Bawwab

قرآن مجید از ابن بواب یا ابن البواب

(شهرت ابوالحسن علی ابن هلال، فوت ۴۲۳ هجری قمری، ادیب و خوشنویس. از فضیلتی عصر بود. ولی حسن خط وی بر سایر فضایل او ممتاز بود. ابن بواب در اقلام بجای مانده از زمان ابن مقله تصرفات کرد و قواعد تازه در خوشنویسی آورد. از جمله خط را به میران نقطه تحت قاعده آورد. شهرت وی موجب شد که عده‌ای از اطراف بدور وی گرد آمدند و او هم به تعلیم شاگردان می‌پرداخت و هم کتابت می‌کرد و وی را به کثرت کتابت یاد کرده‌اند، و گفته‌اند ۶۴ قرآن استنساخ کرده است. از آثار ابن بواب یک جزوه دیوان اشعار و رساله‌ای از جاحظ در موزه اسلامی اسلامبول است که به خط ثلث و نسخ نوشته و نیز یک نسخه قرآن نفیس بخط وی در مجموعه‌ی خصوصی چستر بییتی در انگلستان است که تاریخ ۳۹۱ دارد. برگرفته از دایرةالمعارف فارسی. شادروان غلامحسین مصاحب)

نسخه فاکسیمیله نشر آکادمی از همین قرآن مجید از چستر بییتی در دوبلین ایرلند است. چاپ

۱۹۸۱، قطع: ۱۱/۷ در ۱۳/۷ سانتیمتر، انگلیسی / عربی

6) Geschichte der Perser und Araber, zur Zeit der Sasaniden Aus der Arabischen Chronik des TABARI

Uebersetzt und mit ausfuerungen Erlaeterungen und ergaenzungen versehen von Theodor Noeldeke, Nachdruck der 1879 bei E, J, Brill in Leyden erschienenen Ausgabe

تاریخ ایرانیان و اعراب در دوران ساسانی - تاریخ طبری - ترجمه، توضیحات و اضافات از تئودور نولدکه. چاپ افست از کتاب بریل در لیدن، ۱۸۷۹. نشر آکادمی ۱۹۷۳ کتاب نایاب است.

این ۶ کتاب فقط نمونه‌ای بود در کنار انبوه کتب قدیمی و خطی اروپائی که نشر آکادمی منتشر کرده است.

فهرست کتب منتشر شده در رابطه با فرهنگ ایران در نشر آکادمی:

(۱) ابنیه عامیانه ایران: پروفیسور دکتر رولاند راینر، چاپ ۱۹۷۷ به سه زبان انگلیسی، آلمانی و

فارسی، این کتاب نفیس متاسفانه نایاب است، چندی پیش در تماسی با مسئولان نشر قصد خرید تصاویر و متن کتاب را داشتم که در اختیار ناشری در ایران بگذارم، چه معتقدم تجدید چاپ این کتاب در ایران ضروری است. متاسفانه عکس و تصاویر متن از بین رفته است.

۲) روابط سیاسی ایران و اروپا «اتریش بزرگ» دکتر هلموت اسلابی Bindenschild und Sonnenlowe چاپ ۱۹۸۲ میلادی، کتاب نایاب است، توجه شما را به گزارش «بازی الاکلنک» در زیر جلب می‌کنم.

۳) گل‌های ایران از کارل هاینس رشینگر چاپ ۱۹۶۴، Flora iranica، ۱۷۴ جلد، قیمت کل: ۳۵۹۵ یورو.

۴) نقشه شهر تهران، نسخه چاپی مطابق با نسخه اصلی از سال ۱۸۵۷/۵۸ میلادی است، قطع ۱۰۰ در ۶۰ سانتیمتر

۵) اسامی شهرهای تاریخی ایران، چاپ ۱۹۷۶، Historical Gazetteer of Iran، شامل:

جلد اول: تهران و شمال غربی ایران، نایاب است

جلد دوم: مشهد و شمال ایران، ۱۵۰ یورو

جلد سوم: آبادان و جنوب غربی ایران، ۳۰۰ یورو

جلد چهارم: زاهدان و جنوب ایران، ۲۰۰ یورو

۶) واژه‌نامه فارسی - لاتین از یوهان آگوست فولر، چاپ افسست، ۱۹۶۲ سه جلد

Lexicon Persico - Latinum, Joannis Augusti Vullers

آخرین سه جلد این واژه‌نامه را در سال ۱۳۷۲ از کتابخانه نشر آکادمی خریدم و ۳ جلد کتاب را وسیله مسافری برای علی دهباشی فرستادم. یک ماه پیش دوباره قصد خرید آنرا داشتم که متاسفانه نایاب است. برای اطلاع بیشتر از این واژه‌نامه نگاه کنید به همین ستون در کلک شماره ۳۸، اردیبهشت ۱۳۷۲

ما در ایران به دو و سه دکتر پاول اشترو تسل متولد ایران محتاجیم! چه فقط با عشق به فرهنگ و کتاب می‌توان ناشر شد!

1) Faksimile

2) Sacramentarium Leonianum

## ۱۸۸ - بازی الاکلنک

در این غربت دوستی دارم که صاحب دو فضیلت است: با نگاهی به تصاویر دل و روده، استخوان و مغز انسانها حکم سلامت یا بیماری آنان را صادر می‌کند: پزشک است و رادیولوگ.

با همین نگاه حاذق به کتاب و قلم و دفتر برخوردار می‌کند. نگاهی ژرف و قلمی صاف و روان دارد.

۳ و ۲ سال پیش بود که با خواهشی بسراغش رفتم. سالها آرزو می‌کردم جوانمردی کتاب «روابط سیاسی ایران و اروپا» از دکتر هلموت اسلابی که سالها سرپرستی انستیتو فرهنگی ایران و اتریش را در تهران بر عهده داشت (و من چندین بار گوشه‌هائی از این کتاب را در همین ستون در «کلک» منتشر کردم) ترجمه کند.

نگاهی به کتاب کرد و آمادگی‌اش را برای ترجمه آن اعلام نمود، دست بکار شد و با دقت و درستی ترجمه را به پایان رساند. لحظه‌ای اهل قلمی را در رودخانه‌ای متلاطم درون قایقی تصور کنید که پارو می‌زند و عرق می‌ریزد، روز پایان ترجمه کتاب یا رمان، زمانی است که قایق به مسیر آرام و کوتاه رودخانه رسیده است، جستجو برای پیدا کردن ناشر و چشم دوختن به وزارت ارشاد، ماه‌ها و شاید سالها به درازا می‌کشد و عبور از آن با غرق شدن در امواج رودخانه و یا با پشت سر گذاشتن خطر پایان می‌گیرد!

لحظه‌ای شما را به دوران بچگی می‌برم! آلاکلنک که در خاطر تان هست؟ یکطرف شما می‌نشستید و یک طرف همبازی هم سن و سال و هم وزن شما.

حال یک لحظه تصور کنید مترجم یا نویسنده‌ای با اثرش یک طرف آلاکلنک نشسته و در طرف دیگر «همبازی» تازه آشنا با وزنی سه برابر وزن او جای گرفته است.

می‌دانید چه حادثه‌ای رخ می‌دهد؟ مترجم یا نویسنده روی آلاکلنک، بالا در هوا و همبازی تازه آشنا، ناشر و وزارت ارشاد - پائین و با دو پا روی زمین!

وقتی دوستم مرا از پایان ترجمه کتاب مطلع ساخت، پرسیدم ناشری در ایران سراغ داری؟ پاسخ داد کتاب را برای استاد باستانی پاریزی می‌فرستم و از او خواهش می‌کنم بدست ناشری بسپارد. استاد ترجمه کتاب را به دانشگاه تهران سپرده است، دانشگاه تهران طی نامه‌ای - بدون تاریخ!! - تقاضای ارسال اصل کتاب را در اسرع وقت (!) می‌کند، فتوکپی متن کتاب (کتاب ناپاب است) برای دانشگاه تهران فرستاده می‌شود.

سه سالی از این ماجرا گذشته است. در این فاصله دوستم دو و سه بار از دانشگاه احوالپرسی کرده، پاسخ؟

دوستم روی آلاکلنک اون بالا بالاها در هوا و آنطرف آلاکلنک دانشگاه تهران با دو پا روی زمین نشسته و تکان هم نمی‌خورد. ایکاش بلند می‌شد و می‌گذاشت پزشک ما - دکتر سعید اسلامی - پائین بیاید، استخوانی نرم کند، بسراغ یک ناشر غیردانشگاهی برود و دوباره در یک طرف آلاکلنک و باز دو و سه سالی روی هوا، آن بالا بالاها سرگردان گردد و آنطرف آلاکلنک ناشر

خواستم دوستم را آرام کنم، گفتم ناراحت نباش، ۵ سالی است که خود من روی آلاکلنک اون بالا بالاها نشسته‌ام و ناشر با وزنی ۵ برابر وزن من آنطرف آلاکلنک روی زمین نشسته و تکان نمی‌خورد! و وقتی سالی یکبار تلفن می‌زنم و او را بیاد قراردادی که با هم بسته‌ایم می‌اندازم، هر بار پاسخی می‌دهد که می‌دانم یا حقیقت بیگانه است!

می‌دانید درد کجا است؟ هیچ ناشری تعهد نداده که کتابی را چاپ کند. درد اینجا است که کتاب را قبول می‌کنند، قرارداد می‌بندند و بعد سالها می‌گذرد و دست تو در این مملکت به هیچ جایی بند نیست.

تنها چاره خلاصی از دست ناشران ایرانی سپردن تعهد بین‌المللی به کپی رایت است، با قبول کپی رایت ناشر ایرانی ناچار است برای ترجمه و چاپ کتاب یا ناشر یا نویسنده غربی قرارداد امضا کند، با ترجمی قرارداد ببندد، دستمزدش را تعیین و پرداخت کند و آنوقت بخاطر مخارجی که متحمل شده، چاره‌ای جز چاپ سریع کتاب ندارد.

#### ۱۸۹- ایرانیان مقیم اتریش

در اتریش چون همه کشورهای اروپائی هر ده سال یکبار سرشماری عمومی برگزار می‌گردد، آخرین سرشماری در سال ۲۰۰۱/۲۰۰۰ میلادی بعمل آمد.

من در دوبار گذشته؛ ۱۹۹۰/۹۱ و سال ۲۰۰۰/۰۱ با تماس با اداره سرشماری، آمار دقیق ایرانیان مقیم اتریش را بدست آوردم، آمار سال ۱۹۹۱ در کلک شماره ۴۱، مرداد ۱۳۷۲ و آمار سال ۲۰۰۱ را در فصلنامه «نگاه نو» شماره ۱۷ بهمن ماه ۱۳۸۰ آمار ایرانیان مقیم اتریش و در شماره ۹ مرداد ۱۳۸۱ آمار ایرانیان مقیم کشورهای بازار مشترک را منتشر کردم.

بر طبق این آمار ۵۹۲۶ ایرانی با تابعیت دولت ایران در اتریش زندگی می‌کنند که از این تعداد ۳۴۱۷ نفر زن و ۲۵۰۹ نفر مرد (زنان ۹۰۸ نفر بیشتر از مردان است) می‌باشند. طبیعی است ایرانیانی که تابعیت اتریش را قبول کرده‌اند، در این آمار به حساب نیامده‌اند. تعداد این گروه اتریشی‌های ایرانی تبار ۶۶۹۳ نفر می‌باشد. بنابراین تعداد ایرانیان مقیم اتریش با هم ۱۲۶۱۹ نفر می‌باشد. طبیعی است ایرانیان پناهنده که وضعیت حقوقی آنان روشن نیست و اجازه اقامت دریافت نکرده‌اند در این آمار به حساب نیامده‌اند.

پس از چاپ این گزارش در «نگاه نو» آمار دیگری از اداره سرشماری اتریش بدست آوردم که نشان دهنده تعلقات مذهبی ایرانیان مقیم اتریش و تابع دولت ایران می‌باشد:

تعداد	مذهب
۳۴۸	کاتولیک
۱۰۰	پروتستان
۲۶	کلیسای کاتولیک قدیم
۱۲۷	کلیسای یونانی - اورینت
۱	کلیسای ارتدوکس سوری
۶	کلیسای متودیست‌ها
۶	کلیسای مسیح مقدس در روزهای پایانی
۳۷۸	کلیسای حواریون ارمنی
۱۴	کلیسای حواریان جدید
۶۵	یهود
۳۷۷۴	مسلمان
۳	مذهب یهوواس
۵	گروه پاپتیست‌ها
۸	جماعت پروتستان
۱۳	جماعت مسیحیون آزاد
۶۸	ی
۱۳۰	سایر گروه‌های مسیحی اورینت
۲۵	سایر مذاهب
۳۷۵	بدون تعلقات مذهبی
۴۵۴	بدون پاسخ
۵۹۲۶	جمع